

## چند کلمه درباره طومار کارگران برای تعیین حداقل دستمزد

حامد خاکی

دوشنبه ۳ فروردین ۱۳۸۸

(در حاشیه نوشته محمود صالحی در این رابطه و جوابیه جمیل محمدی)

مساله دستمزدها و مبارزه بر سر افزایش آنها یکی از مسائل مهم و گرهی است که متاسفانه در ایران به يك جدال هر روزه با صاحب کار و دولت تبدیل شده و ظاهراً کارگر برای هر يك لقمه نان شب باید با چنگ و دندان بجنگد و به دفعات با زندان و شلاق و سرکوب عریان روبرو شود.

این مساله به طور مستقیم و بلاواسطه به تمام وجوه زندگی کارگران ربط دارد و به همین جهت هم است که اهمیت ویژه ای دارد.

من اینجا قصد ندارم به این مساله به طور عام و کلی بپردازم.

§ بلکه تنها همانطور که از تیتراژ نوشته پیداست می خواهم در حاشیه نوشته محمود صالحی و جوابیه جمیل محمدی به نکته مهمی مستتر در این مباحث بپردازم

محمود صالحی در نوشته اش در رابطه با تلاشهای اخیر بخشی از طبقه کارگر ایران برای افزایش دستمزد، نکته مهمی را طرح می کند که به نظر من به طور بسیار جدی باید از طرف فعالین کارگری مورد تامل و تعمق قرار گیرد. به نظر من اتخاذ روشها و سنتهای مبارزاتی آن نکته مهمی است که پلمیک اخیر این دوستان به یاد ما می آورند و لزوم تامل و دقت در این زمینه را یادآوری می کنند.

استنباط من از نوشته محمود این است که نه خواست دستمزد بلکه روش کنونی مبارزه برای آن از جانب محمود مورد نقد است.

§ نقد محمود صالحی به محدود ماندن مبارزه در چهار چوب امضاء و طومار است، در واقع نقد سنت و خط و مشی ای در مبارزه کارگری است که به نظر من سیطره آن می تواند جنبش کارگری را به تمامی اخته کند این سنت و خط مشی ای است که در بهترین حالت به کاریکاتوری از الگوهای سوسیال دمکراسی تبدیل می شود و اگر با آن به طور جدی و هشیارانه مقابله نشود تمام جنبش کارگری را در چهارچوب مورد قبول بورژوازی حبس می کند، حیطة مبارزه کارگران را محدود به اقدامات فرمالی می کند که تنها در بهترین حالت دنیای مجازی اینترنت، سایتها و مدیای بدون مستمع حاشیه را پر می کند و بس.

سنتی که تلاش دارد کارگر همیشه دست به عصا و محتاط باشد و از چهارچوبهای تعیین شده توسط دولت و قوانین بورژوازی پا فراتر نگذارد، سنتی که کارگر را از مبارزه جدی و سرنوشت ساز برحذر می دارد و تنها خود و اطرافیان را با این سرگرم می کند که گویا در نظر دارد کاری از پیش ببرد.

من ابداً فکر نمی کنم که اتحادیه آزاد کارگران، سندیکای اتوبوسرانان خط واحد و هیچ کدام از دیگر دست اندرکاران طومار اخیر متعلق به این سنت هستند.

§ و اساسا به نظر من مساله برسر طومار درحال جریان و یکی دو مورد طومار و امضاء نیست، بلکه بر سر این است که آیا به اقدامات دیگری فکر کرده ایم؟ آن درجه از آمادگی و رشد را داریم که به انحاء دیگر اراده و خواست خود را به صاحبان سرمایه تحمیل کنیم؟ یا به همین به اصطلاح غرولندها بسنده می کنیم؟ چرا که همانطور که محمود اشاره می کند بعید به نظر می رسد امضاء کردن طومار بتواند کارفرما و دولت را تسلیم خواست کارگران کند به همین جهت باید کاملا برایمان روشن باشد که مبارزه و اقدامات اعتراضی تنها به این نوع تحرکات محدود نماند.

جمع آوری امضاء و طومار و ارسال اعتراضات به کارفرما و دولت به خودی خود نه تنها بد نیست بلکه مفید هم هست اما به این شرط که میدان مبارزه به این محدود نماند و این طومارها و اعتراض نامه ها بتواند محملی برای جمع کردن بیشتر کارگران و متشکل شدن کارگران باشد.

§ اگر این طومارها پله ای برای رسیدن به پله های دیگر نباشد به تنهایی کاری صورت نمی دهد.

نکته ای که محمود به آن به درستی اشاره می کند این است که مدتهاست این نوع فعالیتها از طرف کارگران صورت می گیرد بدون آنکه توانسته باشد به اهرم اعمال اراده و اعمال قدرت کارگران تبدیل شده باشد و بتواند دولت و کارفرما را ناچار به پذیرش خواست کارگران کند و بدتر آنکه انگار ما نمی خواهیم قدمهای بعدی را برداریم، طومار و نامه اعتراضی همانطور که گفتیم امکان خوبی برای ایجاد يك نوع همبستگی و سازمانیابی است اما آیا این قرار است خودش به هدف اصلی تبدیل شود؟ انگار وسیله دارد جای هدف را می گیرد.

در جوابیه جمیل آمده که به جز پارسال و به همت اتحادیه آزاد کارگران جایی دیگر و موردی دیگر از این اقدامات صورت نگرفته است.

§ لازم می دانم اشاره کنم که اتفاقا از این اقدامات قبلا هم صورت گرفته که متاسفانه هیچ کدام باعث تحقق خواست مورد نظر هم نشده از آن جمله : طومار اعتراضی کارگران با خواست حداقل دستمزد ۴۵۰۰۰۰ تومان در سال ۱۳۸۴ ( طومار اسفند ۸۳ ) و همین طومار پارسال که مورد اشاره خود جمیل هم هست و یا طومار دوسال پیش بر سر این طومارها چه آمد؟ کدام يك از آنها در تعیین حداقل دستمزد تاثیری گذاشت؟ تا چند سال دیگر باید هر ساله يك طومار اعتراضی بدون تاثیر تهیه کنیم؟ این بحث نان شب و مایحتاج اولیه کارگر است چندسال دیگر گرسنگی و فلاکت و دلخوش کردن به طومار؟ بالاخره این جنبش باید مراحل بلوغ خود را طی کند و زمانی این مرحله کنونی را پشت سر بگذارد و قوی تر ظاهر شود.

لازم به ذکر است که از این نوع اقدامات در موارد دیگر هم به کرات صورت گرفته است.

§ درواقع این تاکتیک نه ابداع اتحادیه آزاد کارگران است و نه متاسفانه تا به حال باعث رسیدن به مطالبه مورد خواست شده است.

این يك اقدام مبارزاتی است که صد البته در مواردی و در مراحل از مبارزه می تواند در يك سنت و خط مشی مبارزاتی مفید و با ارزش باشد در همانحال که می تواند در يك سنت و خط مشی دیگر بسیار توهم برانگیز و فلج کننده. همانطور که در بالا هم اشاره کردم اگر فعالین کارگری و رهبران کارگری به این اقدامات به دید امکانی برای متشکل شدن، تبادل افکار و سازماندهی بیشتر و کار اتر مبارزه روزمره خود نگاه کنند و به تبع آن به اقدامات و تحرکات دیگر

نیز بیاندهند این نوع اقدامات مفید است.

§ منتها اگر طومار و امضاء اول و آخر اقدام هر ساله مان باشد به طور قطع هم در تعیین شرایط کار و میزان دستمزدها بی تاثیر خواهیم بود و هم امیدواری توده کارگران به مبارزه را زائل خواهیم کرد.

اگر طبقه کارگر جایگاه تاکتیک اتخاذ شده توسط خود در هر قدم از مبارزه را به درستی نداند و درك درستی از ضرورت اتخاذ آن نداشته باشد، هر مانعی سر راه می تواند بسیار بیش آن آنچه باید و شاید باعث تضعیف نیروی این طبقه شود.

تصور درست از کاری که می خواهیم بکنیم و جایگاه تاکتیک اتخاذ شده در روند مبارزه و توقع واقع بینانه از تحركاتمان برای فعالین و رهبران کارگری بسیار ضروری است و به نظر من اوضاع کنونی، شرایطی که کارگران در آن به سر می برند، تجربه سالهای گذشته و... حکم می کنند که فعالین کارگری در فکر اقدامات کاراتری باشند، اقداماتی که دولت را ناچار به پذیرش خواست کارگران کند. بسنده کردن به طومار و نامه اعتراضی می تواند این جنبش را فلج کند.

حامد خاکی

سایت جنبش کارگری

<http://www.jonbeshekargary.org>